

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی  
سال ششم - ویژه نامه نوروز 1405 - شماره 25 - ص 166-176  
**آثار دنیوی حسد از منظر آیات و روایات**

فرخنده شیخ پور<sup>1</sup>

**چکیده**

حسد یعنی رشک بردن، زوال نعمت کسی را خواستن، بدخواهی محسود است و یکی از صفات پست انسانی است که از اجتماع، بخل و شره‌ی نفس اماره حاصل می‌شود. بحث حسد از جمله ردایل اخلاقی است که دارای ابعاد و زوایای مختلفی است که هر کدام از این ابعاد در علمی مستقل مثل علوم اجتماعی، عرفانی، روان‌شناسی و ... قابل بحث و بررسی است. در مقاله حاضر به آثار دنیوی حسد در آیات و روایات معصومین پرداخته شده است. درباره بحث حسد کتاب و پایان‌نامه‌های بسیاری نوشته شده است. از جمله‌ی آن‌ها عبارت است از: قلب سلیم از دستغیب شیرازی، معراج السعادت از علامه ملا مهدی نراقی و ... به خاطر اهمیت زیاد این موضوع و آثار دنیوی حسد به صورت مستقل در منبع خاصی یافت نشد و نوشتار حاضر با استفاده از منابع معتبر دینی به روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به تهیه این مقاله پرداخته شده است. این ردیله‌ی اخلاقی تأثیرات زیادی در زندگی دنیوی دارد. از جمله: تنهایی، زوال ایمان، بیماری و ... را می‌توان اشاره کرد.

**واژگان کلیدی:** حسد، آثار دنیوی، حسود

---

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

#### مقدمه

اعمالی که در روز قیامت از سوی حضرت حق حساب رسی خواهد شد، تشکیل یافته از فضایل و رذایل اخلاقی است. با توجه به اینکه مرتکب شدن به رذایل اخلاقی موجب شقاوت انسان می‌شود. بنابراین هر شخصی باید تلاش کند تا رذایل اخلاقی را بشناسد. از جمله رذایل اخلاقی که در طول تاریخ بشر آثار بسیار منفی فردی و اجتماعی داشته است مسأله حسد است، حسد به معنی «ناراحت شدن از نعمت‌هایی است که خداوند نصیب دیگران کرده و آرزوی زوال آن‌ها و حتی تلاش و کوشش کردن در این راه است».

حسودان نه آرامش در دنیا دارند، نه آسایش در آخرت و چون تمام تلاش‌شان این است که نعمت را از محسود بگیرند، آلوده انواع جنایت‌ها می‌شوند؛ دروغ می‌گویند، غیبت می‌کنند، دست به انواع ظلم و ستم می‌زنند و حتی در حالات شدید و بحرانی از قتل و خونریزی نیز ابا ندارند.

خداوند خالق جهان، در وجود انسان‌ها صفاتی را قرار داده است که شناخت و کنترل آن‌ها سبب رستگاری انسان در دنیا و آخرت می‌شود. شناخت آثار این رذیله اخلاقی با توجه به آیات و روایات اهمیت فراوانی دارد که با پرداختن به عواقب دنیوی آن روشن می‌شود به طوری که این عمل ناپسند آثاری چون ناراحتی همیشگی، تنهایی، زوال ایمان، ناکامی و ... را به دنبال دارد. همین توجه به زشتی حسد ورزیدن و آگاه نبودن از عواقب آن باعث می‌شود که در مقاله حاضر به آثار دنیوی این صفت که خیلی در زندگی فردی و اجتماعی مهم است آثاری که در اثر حسد به وجود می‌آید را بررسی کنیم تا با دانستن این آثار از این رذیله اخلاقی دوری کنیم.

مفهوم حسد

معنای لغوی

حسد، زوال نعمت کسی را خواستن، رشک بردن، بدخواهی است. (معین، 1386، 1، 174)

معنای اصطلاحی

«حسد حالتی است نفسانی که صاحب آن به آرزو نرسد سلب کمال و نعمت متوهمی را از غیر می‌کند چه آن نعمت را خودش دارا باشد یا نباشد، و چه بخواهد به خودش برسد یا نرسد. و آن غیر از غبطه است؛ چرا که صاحب آن می‌خواهد خود نعمتی را که در غیر توهم کرده است، بدون آنکه میل زوال آن را از او داشته باشد؛ می‌خواهد دلیل اینکه گفتیم کمال و نعمت «متوهم» این است که لازم نیست آن چیزی را که حسود میل زوال آن را دارد کمال و نعمت باشد؛ چه بسا چیزهایی که از نقایص و رذایل است، ولی حسود آن را کمال گمان کرده و زوال آن را می‌خواهد؛ یا آنکه چیزی از نقایص انسانی و کمالات حیوانیه است و حسود چون در حد حیوانیت است آن را کمال می‌پندارد و زوال آن را می‌طلبد مثلاً در بین مردم کسانی هستند که

خونریزی را هنر می‌دانند و اگر کسی چنین باشد به او حسد می‌ورزند. یا بذله‌گویی و هرزه سرایی را کمال می‌پندارند و به آن حسد می‌کنند پس میزان، توهم کمال و گمان نعمت است نه خود آنها و مقصود آن است که شخصی که در غیر، نعمتی دید، چه واقعاً نعمت باشد یا نباشد، و زوال آن را مایل بود، چنین شخصی را حسود گویند. (محدثی، 1389، 58)

فرق حسد با غبطه

هر کس از دیدن یا شنیدن نعمتی مانند مال و فرزند یا فضیلت و کمالی مانند علم، شجاعت و سخاوت که دیگری دارا شده ناراحت و خشنود و خشمگین شود و نتواند این نعمت و فضیلت را در او ببیند و گرفته شدن آن را از او آرزومند باشد خواه تنها گرفته شدن آن نعمت را از او بخواهد یا گرفته شدن از او و رسیدن به خودش را آرزومند باشد این حالت درونی حسادت است و صاحبش را حاسد و آنکه به او حسد می‌ورزد محسود می‌گویند.

اگر از این که دیگری نعمتی را دارا است کراهتی ندارد و گرفته شدن آن را از او نخواهد و تنها دارا شدن خود را بمانند آن آرزومند باشد این حالت را غبطه گویند و غبطه در نعمت‌های دنیوی مباح و در نعمت‌های آخرتی مطلوب است.

باید دانست که تمام طبقات از زن و مرد، دانا و نادان، پست و شریف، ثروتمند و تهی‌دست، توانا و ناتوان در خطر آلوده شدن به این بیماری کوشنده‌اند و بر هر مسلمان واجب است که از آن باخبر باشند تا گرفتار نشوند (دستغیب شیرازی، 1381، 672)

مراتب حسد

شخص حسود معمولاً دارای یکی از سه حالت ذیل می‌باشد.

1- اینکه طبعاً بدخواه دیگران باشد ولی خودش از این حال ناراحت و عقلاً از این میل قلبی متنفر باشد و به همین خاطر بر نفس خود غضبناک بوده و در فکر چاره‌ای برای رفع آن باشد.

این قسم از حسد چون از اختیار انسان خارج است قطعاً مورد عفو پروردگار می‌باشد.

2- اینکه این میل قلبی را دوست داشته و در ناگواری‌های محسود به وسیله قول یا فعلی شادمانی خود را اظهار کند.

این قسم از حسد قطعاً ممنوع و حرام است.

3- قسم سوم حالتی است میانه دو حالت قبلی یعنی آنکه در قلب حسد بورزد و از حسد خود به هیچ وجه ناراحت نباشد و در صدد رفع آن برنیاید ولی ظاهر خود را از طاعت حسد و انجام مقتضیات آن حفظ کند در حکم این قسم از حسد بین علما اختلاف است.

گروهی می‌گویند حسد فعل قلبی است و همین که انسان در قلب حسد بورزد و از آن ناراحت نباشد مصداق حسود گناهکار است. اگرچه ظاهر خود را حفظ کند و به اندازه شدت و ضعف همان حب قلبی که به زوال نعمت دیگران دارد معصیت کرده و گناهکار است.

و گروهی گفته‌اند که اگر انسان حسد خود را به و سیله جوارح اظهار نکند مرتکب هیچ گناهی نشده و بسیاری از اخبار بر همین معنا دلالت دارند.

با سندهای مختلف از طرق عامّه از نبی اکرم ﷺ چنین روایت شده است: از امت من نه چیز برداشته شده است: اشتباه، فراموشی، آنچه که نمی‌دانند، هر چه که از حد طاقت آنها خارج باشد، آنچه را که از روی ناچاری انجام می‌دهند، آنچه را که اجباراً انجام می‌دهند، فال بد، و سوسه در تفکر درباره خلقت و حسد تا زمانی که با دست یا زبان اظهار نشود. و فرمود: «سه چیز است که کسی را از آنها خلاصی نیست گمان، فال بد، حسد و من راه نجات از این سه را به شما

می‌آموزم؛ چون گمان کردی تحقیق نکن، و چون فال بد زدی اهمیت نده و هنگامی که حسد ورزید ظلم نکن».

و در روایت دیگری می‌فرماید: سه چیز است که در مومن وجود دارند و او می‌تواند از آنها خلاص شد و راه رهایی‌اش از حسد این است که ظلم نکند». (شبر، 1382، 259)

آثار دنیوی حسد

حسد یکی از امراض مهلکه‌ی قلب است که به دنبال خود امراض دیگر قلبی را نیز به وجود می‌آورد و مفسد اعمالی هر یک برای هلاکت انسان سببی مستقل است و از آن جا که برای هر عملی، عکس‌العملی وجود دارد متعاقباً این رذیله نیز برای خود آثاری دارد که هم مشمول دنیا می‌شود و هم سرای دیگر را در بر می‌گیرد که ما فقط آثار دنیوی این رذیله را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### 1- ناراحتی همیشگی

حسود که از دیدن نعمت دیگری، در عذاب درونی و آشوب داخلی است پیوسته در اضطراب و سوز و گداز و غم و اندوه است و ساعتی آرامش و آسایش و خوشی ندارد و همانطور که نعمت‌های خدا به بندگانش پایان ندارد حسرت و غصه حسود هم پایان پذیر نیست. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «قُلُّ النَّاسِ لَذَّةُ الْحَسُودِ؛ حسود کم لذت‌ترین مردم است».

امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید: «لَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ؛ برای حسود آسایشی نیست». «الْحَسُودُ مَغْمُومٌ؛ حسود همیشه در اندوه است». «الْحَسَدُ حَبْسُ الرُّوحِ؛ حسد زندانی کردن روح است به حزن و اندوه باطل» و نیز فرمود: «الْحَسُودُ كُنُوزِ الْحَسْرَاتِ مُتَضَاعِفُ الْأَسِيَّاتِ؛ حسود اندوهش فراوان و گناهانش دو چندان است».

و نیز فرمود: «مَا رَأَيْتَ ظَالِمًا شَبِهَ بِمُظْلُومٍ مِنَ الْحَالِ؛ حسد نفس دائم و قلب هائم و حزن و لازم؛ ندیدم ظالمی که به مظلوم بودن شبیه‌تر باشد از حاسد حسود دچار بخل همیشگی و سرگردانی و اندوه پیوسته است».

یعنی حاسد چون اثر ظلمش به خودش می رسد در حقیقت مظلوم از خود است زیرا در رنج همی شگی و سرگردانی و اندوه متصل است تا جایی که مرگ را برای رهایی خود از اندوه و حسرت آرزو می کند. (دستغیب شیرازی، 1381، 705)

### 2- ناکامی همیشگی

حسود با وجود همه توطئه‌هایی که می کند برای ابد ناکام می ماند. حسود آرزو دارد که نعمت را از دیگران سلب کند، اما از آنجا که خداوند برای هر کس سرنوشتی مقدر کرده و بر اساس آن نعمت‌هایی را در اختیار او قرار داده است، حسود به آرزوی خود که با مقدرات الهی منافات دارد، نخواهد رسید، اگر قرار بود حسودان کامیاب شوند، باید هیچ کس صاحب نعمت نمی شد زیرا هر کس در اختیار داشت، مسلماً حاسدی نسبت به آن حسادت می ورزید و نعمت از او سلب می شد.

بنابراین حسود باید همواره در آتش حسادت خود بسوزد و بسازد و این ناکامی رنج‌ها و گرفتاری‌های دیگری نیز برای او به دنبال می آورد، از جمله اینکه او همی شه ناراحت و عصبانی است و با مردم با چهره‌ای عبوس برخورد می کند.

«و عجب اینکه این ناراحتی و ناکامی که در حسود است مورد رضایت و آرزومند محسود است، پس حسود با این حالت شیطانی دشمن خود را شاد و کامیاب ساخته است به طوری که محسود دوست دارد که این رنج و ناراحتی از حاسد گرفته نشود».

امام هادی <sup>[2]</sup> می فرماید: «و ایاک و الحسد فلانه یبین فیک و لا یعمل فی عدوک؛ بهره‌یز از حسد، زیرا بدی آن در خودت آشکار می شود و در دشمنت هیچ کاری نمی کند». امام صادق <sup>[3]</sup> می فرماید: «لقمان به فرزندش گفت فرزندم بترس از حسد پس نباید کار تو باشد و دوری کن از بدخلقی پس مبادا خوی تو شود زیرا به حسود بدخلقی ضرر نمی رساند جز به خودت و چون زیان رساننده به خود شدی (دشمنات) را راحت کردی از رساندن ضرر به تو، زیرا دشمنی کردن تو به خودت ضرر بیشتری از دشمنی دیگری به تو است». (همان، 707)

### 3- بیماری

ناراحتی خاطر و پریشانی درونی حسود او را ناتوان و گاهی بیمار خواهد ساخت زیرا اندوه همیشگی، دستگاه‌های بدن را از انجام وظیفه باز خواهد داشت و در نتیجه مقاومت بدن در برابر بیماری‌ها ضعیف شده و با ناچیزترین بیماری از پا می افتد، پس حسود باید به خود رحم کند و نعمت سلامتی و تندرستی را بیهود از دست ندهد.

امیرالمؤمنین <sup>[4]</sup> می فرماید: «صحة الجسد من قلة الحسد؛ سلامتی بدن از کمی رشک بردن است».

و نیز می‌فرماید: «العجبُ لغفلةِ الحُسَادِ عنِ سلامةِ الاجسادِ؛ جای شگفتی است که حسودان از سلامت جسم خود غفلت دارند».

زیرا صاحب حسد پی در پی مردم را می‌بیند که نعمت‌ها دارند و هر یک سبب اندوه او می‌شود از این راه رنجور می‌شود و نیز امیرالمؤمنین می‌فرماید: «الح حسودٌ ابدأ علیلٌ؛ حسود همیشه بیمار است». «الحسدُ شرُّ الامراضِ؛ بدترین بیماری‌ها حسد است». و نیز می‌فرماید: «الح حسدٌ لا یجلبُ الا مضرَّةً و غیظاً یوهنُ قلبک و یمرضُ جِسمک؛ حسد جز زیان و خشم در وجود انسان ایجاد نمی‌کند حسد سبب می‌شود که قلب انسان ناتوان و جسم او بیمار گردد». (همان، 707)

#### 4- کوتاهی عمر

رنج فراوان و بیماری، حسود را برای مرگ زودتر آماده می‌کند و خلاصه حسرت مرگ می‌شود و نیز حسادت، او را به کارهایی مانند قطع رحم و آزار رساندن به بندگان خدا و می‌دارد و این‌ها کوتاه کننده عمر هستند و گاه می‌شود که مرتکب کارهایی می‌شود که سبب هلاکت او می‌شود. (همان، ص 708)

#### 5- تنهایی

حسد باعث می‌شود که انسان دوستان خود را از دست بدهد، زیرا هر کس دارای نعمتی است که احیاناً دیگری ندارد و اگر از سان دارای صفت رذیله حسد باشد طبعاً نسبت به همه مردم حسد می‌ورزد و همین امر سبب می‌شود که افراد از او دوری کنند و پیوندهای محبت میان او و دیگران گسسته شود. بنابراین نزد همه خوار و منفور می‌شود و حتی زن و فرزند و برادر و خواهر نیز از اطراف او پراکنده شده و به هنگام مشکلات او را تنها خواهند گذاشت. امیرالمؤمنین [2] می‌فرماید: «الحسودٌ لا خُلَّةَ لَهُ؛ حسود دوستی ندارد». (مکارم شیرازی، 1378، دوم، 142)

#### 6- رکود و عدم پیشرفت

حسد انسان را از رسیدن به مقامات والا باز می‌دارد به گونه‌ای که شخص حسود هرگز نمی‌تواند از مدیریت بالایی در جامعه برخوردار شود چرا که حسد، دیگران را از گرد او پراکنده می‌کند و کسی که دارای قوه دافع است هرگز به بزرگی نمی‌رسد. (همان، 142)

«و اگر به بزرگی برسد می‌کوشد از بندگان خدا، نعمت گرفته شود و فسادها می‌کند پس خداوند از بزرگ شدن او جلوگیری می‌کند».

و همچنین به جهت حسادتش کارهایی انجام می‌دهد که منافعی با بزرگی است و موجب سبکی و پستی او می‌شود و به این خاطر به بزرگی نمی‌رسد.

یا این که به جهت حسد، به عیب‌ها و نقص‌های خود نمی‌رسد تا آنها را اصلاح و برطرف سازد و در نتیجه به بزرگی نمی‌رسد. (دستغیب شیرازی، 1381، 759)

#### 7- زوال ایمان

شخص حسود که از رسیدن نعمت به دیگری، ناراضی است و زوال آن را خواهان است اگر آن نعمت را از خدا نداند کفر به خدا بودنش آشکار است و اگر از خدا بداند و باز ناراضی باشد پس خود را مقلیل بلکه بالاتر از خدا قرار داده، زیرا به زبان حال می‌گوید نعمتی که خدا به او داده برخلاف صلاح دید من است و باید از او گرفته شود و خلاصه حالت حسادت ناگرویدن و بریدن از خداوند است.

اگر این حال دوام پیدا کند ریشه و بن ایمان را از دل حاسد می‌زداید به طوری که اگر مرگش در آن حال برسد بی‌ایمان مرده است و اگر برای حسد زبانی جز زوال ایمان نبود، برای هلاک کردن صاحبش بس بود زیرا رستگاری بسته به ایمان است و چیزی که آن را زائل کند البته هلاک کننده می‌باشد و پرهیز از آن عقلاء واجب است. (همان، 710)

#### 8- زوال حسنات قلبی و بدنی

هنگامی که حسود می‌بیند که رقیبش صاحب فضل و کمال و محبوبیت شده است، در صد برمی‌آید تا به نحوی او را لکه‌دار سازد. به همین جهت ابتدا از او بدگویی می‌کند و سپس به تهمت و افترا و دروغ پراکنی متوسل می‌شود و اگر ببیند که غیبت و تهمت فائده‌ای به حال او ندارد، قدمی فراتر می‌گذارد و تصمیم به جنایت و غارت و حتی آدم‌کشی می‌گیرد. آری صفت حاسد چنان چه با آن مبارزه جدی نشود، تا آنجا پیش می‌رود که از سان‌ها راجه جان هم می‌لندازد تا خون یکدیگر را بریزند، و بر طبق گفته قرآن اولین خونی که بر زمین ریخته شد، خون هابیل بوده است که در اثر حسادت کشته شد و داستان آن به این ترتیب است: خداوند متعال به حاضرت آدم [ع] وحی کرد که مقام نبوت را بعد از خود به هابیل اختصاص دهد؛ قابیل که برادر بزرگ‌تر بود، اعتراض کرد گفت: من بزرگترم و برای چنین موقعیتی سزاوارتر هستم. خداوند به آدم [ع] وحی کرد برای اینکه حقیقت معلوم شود، به آن دو بگو قربانی کنند، هر که قربانی‌اش پذیرفته گشت صاحب این امتیاز خواهد بود. (همان)

در آن زمان نسلنه پذیرش قربان این بود که آتش آسمانی قربانی را فرا می‌گرفت هابیل گوسفنددار بود، گوسفندی چاق از میان گله خود جدا نموده و برای قربانی به محل معین آورد، ولی قابیل که کشاورزی می‌کرد، یک دسته از گندم‌های لاغر و کم ارزش برداشته و به قربان گاه آورد. در این هنگام شراره‌ای از آسمان آمد و قربانی هابیل را فرا گرفت معلوم شد که خداوند قربانی او را قبول کرده است. از این جهت قابیل بر برادر خود حسد ورزید و بعد از فراهم کردن زمینه نقل او وی را به وسیله سنگی هلاک ساخت.

آری اولین خون در اثر حسادت ریخته شد و تاکنون نیز به سیاری از دشمنی‌ها و جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها به واسطه‌ی حسدورزی افراد صورت گرفته و می‌گیرد.

ح سود از هر صفت نیکی محروم و به هر خوی ز شتی گرفتار خواهد شد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الح سدُّ يأكلُ الح سناتٍ كما تأكلُ النثار الحطب؛ ح سد نیکی‌ها را تباہ می‌کند؛ همان گونه که آتش هیزم را می‌سوزاند».

تعبیر بالا به خوبی نشان می‌دهد که آتش حسد می‌تواند تمام خرمن سعادت انسان و حسنات او را بسوزاند و زحمات یک عمر او را بر باد دهد به گونه‌ای که دست خالی از دنیا می‌رود. (مکارم شیرازی، 1378، 2، 145)

#### 9- زوال معرفت و شناخت حقایق

ح سد حجاب ضخیمی در برابر معرفت و شناخت حقایق می‌افکند، چرا که ح سود نمی‌تواند نقطه‌های قوت محسود را ببیند هر چند استاد و مربی و بزرگ او باشد، بلکه دائماً چشم او در پی جستجو برای نقاط ضعف است و چه بسا به خاطر حسد، خوبی را بدی و نقاط قوت را ضعف بیندارند و از آنها دوری کند. (همان، 142)

#### 10- حسود مورد خشم خدا

کسی که بر دیگران ح سد می‌ورزد مورد خشم خدای متعال قرار می‌گیرد و رابطه اش با پروردگار قطع می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قال الله عزوجل لمو سی بن عمران یا ابن عمران لا تحسدن الناس علی ما اتیتتم من فضلی و لا تمدن عینیک الی ذلک و لا تتبعه نفسک فان الحاسد ساخط لنعمی، صار لقسمی الذی قسمت بین عبادی و من بک کذلک فلست منه و لیس منی». (ریشه‌ری، 1422، 2، 834)

خدای عز و جل به موسی بن عمران علیه السلام فرمود: «ای پسر عمران! بر آنچه از فضل خدا به مردم داده‌ام حسد نبر و چشم را به دنبال آن نیفتکن و دلت را دنبال آن نفرست، زیرا کسی که رشک می‌برد، از نعمت من ناراحت است و از تقسیم می‌که میان بندگانم کرده‌ام جلوگیری است و کسی که چنین باشد من از او نیستم و او از من نیست».

#### 11- کمبود شخصیت

از نظر معنوی حسد نشانه کمبود شخصیت و نادانی و کوتاه فکری و ضعف و نقص ایمان است، زیرا ح سود خود را ناتوان‌تر از آن می‌بیند که به مقام محسود و بالاتر از آن برسد و لذا سعی می‌کند محسود را به عقب برگرداند، به علاوه او عملاً به حکمت خداوند که بخشنده اصلی این نعمت‌ها است معترض است و نسبت به اعطای نعمت به افراد از طرف خداوند ایراد دارد، و لذا در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم، الحسد اصله من عمی القلب و الجحود الفضل الله تعالی و هما جناحان للكفر و بالحسد وقع ابن آدم فی حسرة الابد و هلک مهلكا لا ینجو منه ابدًا؛ حسد

و بدخواهی از تاریکی قلب و کوردلی است و از انکار نعمت‌های خدا به افراد سرچشمه می‌گیرد و این دو، دو بال کفر هستند. (حسینی، 1384ه.ش، 382)

قرآن مجید در سوره مائده آیه 27 می‌فرماید: «قال لأَقْتَلَنَّكَ قال إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»؛ نخستین قتلی که در روی زمین واقع شد عامل آن حسد بود.

در نهج البلاغه از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «ان الحسد يأكل الايمان كما تأكل النار الحطب؛ حسد تدریجاً ایمان را می‌خورد همانطور که آتش همیزم را تدریجاً از بین می‌برد». (سید رضی، 1388، 102)

### نتیجه‌گیری

قرآن مجید حسد را از زشت‌ترین صفات و بدترین اعمال و نکوهیده‌ترین خصلت‌های انسانی می‌شمرد صفتی که می‌تواند سرچشمه کفر گردد و دست برادر را به خون برادر آغشته کند و انسان را از مشاهده حق باز دارد، رشته‌های محبت را پاره نماید و جهنم سوزانی در دنیا برای کسانی که به آن آلوده هستند به وجود آورد. آن‌هایی که در این خصلت زشت غوطه‌ور گردند، هرگز روی سعادت نخواهند دید و راه به سوی قرب خدا پیدا نمی‌کنند. بنابراین ما باید بیشتر مراقب باشیم تا به کسی حسادت نوزیم همانطور که گفته شد حسد آثار دنیوی بسیار زیاده‌باری دارد که انسان در اثر آن، همیشه ناکام و بیمار و ایمان خود را از دست می‌دهد و به خاطر چند روز ناچیز دنیا با > سادت به دیگران به همین راحتی اثرات و عواقب آن را قبول می‌کند پس با شناختن این آثار از این رذیله دور باشیم.

#### منابع

- 1- حسینی، سید حسین، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، 1384.
- 2- دستغیب شیرازی، عبدالحسین، قلب سلیم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی‌چاپ، 1381.
- 3- ریشهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دار الحدیث، چاپ اول، 1422 ه.ق.
- 4- شبر، عبدالله، اخلاق، قم، انتشارات هجرت، چاپ نهم، 1382.
- 5- محدثی، جواد، بر کرانه شرح چهل حدیث، قم، هاجر، چاپ هشتم، 1389.
- 6- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات نامن، چاپ دوم، 1386.
- 7- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول، 1378.
- 8- نهج البلاغه، دشتی، محمد، تهران، انتشارات پیام عدالت، چاپ دهم، 1388.